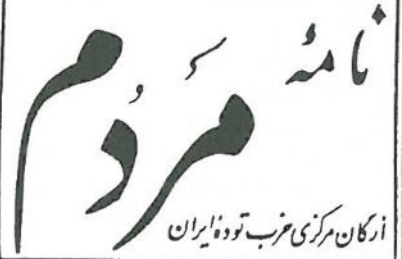


# فرخنده باد هشتم مارس روز همبستگی زنان سراسر جهان!

## اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت هشتم مارس

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر و جنبش آزادیخواه و شگنجه و شلاق و در یک کلام ایران، روز هشتم مارس (۱۷ اسفند ماه)، روز همبستگی و همپیمانی پرشور و آزادیخواهانه مردم ایران با زنان جهان است. روز همبستگی و همپیمانی پرشور و آزادیخواهانه مردم ایران با زنان جهان است. روز همبستگی و همپیمانی پرشور و آزادیخواهانه مردم ایران با زنان جهان است.



شماره ۱۹۷ دوره هشتم سال چهارم  
سه شنبه ۱۳۶۶/۱۲/۱۸ بها ۲۰ ریال

## اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

## ذهن گرائی را نباید جانشین واقع نگری کرد

ضد ملی رژیم و جنگی است که امپریالیسم آمریکا آتش آن را شعله ور ساخته است و با تمام توان می کوشد تا از خاموش شدن آن جلوگیری کند. سران جمهوری اسلامی با پافشاری نابخردانه بر ادامه جنگ خانمانسوز عملاً به مجریان استراتژی جهان سالاری نوین امپریالیسم در منطقه تبدیل شده اند.

پس از تشدید "جنگ نفتکش ها" که شرایط تمرکز هر چه بیشتر ناوگان جنگی و تفنگداران دریایی ایالات متحده آمریکا و متحدان آن در پیمان تجاوز کار "ناتو" را فراهم آورد، اینک بار دیگر "جنگ شهرها" اوج تازه ای گرفته است.

ارتجاع حاکم سعی دارد تا همه جنایتهای خود را زیر پوشش ضرورت ادامه جنگ که گویا هدف از دفاع از خاک کشور است، توجیه کند. اما همه می دانند که جنگ در مرحله کنونی فاقد خصلت میهنی است. هدف از ادامه جنگ تحقق بخشیدن به سیاست "صدور انقلاب اسلامی" خمینی است. این سیاست هم با مصالح ملی و هم با تمامیت ارضی میهن مادر تضاد آشکار است.

در روزهای اخیر، رژیمهای حاکم بر ایران و عراق ساکنان بی دفاع شهرها را به بهانه حمله به موسسات صنعتی و مراکز تجمع نیروهای نظامی آماج حملات وحشیانه موشکهای زمین به زمین و هوا به زمین قرار داده اند. اما، چنانکه تجربه نشان داده قربانی کشاندن دامنه جنگ به شهرها جز زحمتکش، زنان و کودکان و سالخوردهگان نبوده و نیستند.

در این لحظات حساس، کمیته مرکزی حزب توده ایران بار دیگر همه نیروهای مترقی و ملی و میهن دوست را مخاطب قرار داده و از آنها می خواهد که صرف نظر از اختلافهای عقیدتی و سیاسی در صف واحدی برای استقرار صلح عادلانه میان دو کشور همسایه ایران و عراق متحد شوند. اتحادیکانه راه دستیابی به صلح است. ما زمانی خواهیم توانست بر ارتجاع حاکم و نقشه های ضد خلقی جنگ طلبانه آن چیره شویم و فرزندان و نان آوران میلیونها خانواده را از چنگ مرگ در جبهه ها و پشت جبهه ها نجات دهیم و زندگی را جایگزین مرگ سازیم که دست بدست هم بدهیم و در راه صلح و علیه عفریت جنگ بپاخیزیم.

طی چند روز اخیر بیش از بیست موشک زمین به زمین در تهران و دیگر شهرهای بزرگ و کوچک ایران منفجر شده است. علاوه بر این، بمب افکنهای عراقی کرج، دزفول، رشت، انزلی، قم، شیراز و چند شهر دیگر را مورد حمله قرار داده اند. تعداد کشته شدگان و زخمی ها به صدها نفر بالغ می شود. هزاران نفر خانه و کاشانه خود را از دست داده اند. چه بسیار از اهالی بی دفاع که تهران و شهرهای دیگر را ترک می کنند و به شهرهای کناره دریای خزر روی می آورند. ترس و وحشت فراگیر است.

حزب توده ای ما که در راه سعادت طبقه کارگر و دیگر زحمتکش شهر و روستا مبارزه کرده و می کند و در این راه قربانیهای فراوانی داده است، پیکار در راه صلح را وظیفه انقلابی فرد - فرد هواداران حزب تعیین کرده است. باید از همه امکانات برای شکل توده ها در نبرد علیه سیاست ایران برپاداده رژیم ضد خلقی حاکم استفاده کرد. پلنوم دیماه ۶۶ کمیته مرکزی حزب توده ایران تشکیل کمیته های ضد جنگ در کارخانه ها و کارگاهها بقیه در ص ۶

کمیته مرکزی حزب توده ایران عمل ضد انسانی کشاندن جنگ به شهرهای بی دفاع را شدیداً محکوم می کند. به این جنگ ویرانگر و بی حاصل، که جز بسود سوداگران مرگ، انحصارهای اسلحه سازی غرب و مشتی صاحبان ثروت در داخل کشور نیست، باید هر چه زودتر پایان داده شود. این خواست اکثریت مردم میهن ماست. این جنگ جز کشتار جمعی فرزندان و نان آوران خانواده ها نتیجه ای نداشته و نمی تواند داشته باشد. جنگ میلیونها کشته و معلول و زخمی و آواره برجای گذاشته است. صدها موسسه صنعتی و مزرعه و دهه شهر و روستای ویران شده محصول جنگی است که سران رژیم نکبت بار جمهوری اسلامی اصرار بر ادامه آن دارند. قحطی، گرسنگی، سیر صعودی قیمت ها، بیکاری فزاینده، بی خانمانی، فقر و بدبختی از نتایج محتوم سیاست

در قطعنامه مصوب پلنوم کمیته مرکزی (دیماه ۶۶) از جمله گفته می شود: "... تبلیغات حزب ما باید به مسئله ضرورت مراعات اصل لنینی همزیستی مسالمت آمیز میان کشورهای دارای نظامهای اجتماعی - اقتصادی گوناگون اهمیت خاص بدهد". پلنوم کمیته مرکزی اهمیت فوق العاده ای به ضرورت تشدید مبارزه در راه صلح و تامین امنیت جهانی در شرایط انباشت بی سابقه سلاحهای هسته ای داد. پلنوم دیماه ۱۳۶۶ حزب با تاکید روی تصمیم کنفرانس ملی، مبارزه در راه صلح را یک وظیفه انقلابی و میهنی دانست.

بچه علت حزب توده ایران چنین اهمیت خاصی به مسئله صلح و جنگ می دهد؟ به نظر می رسد، مردم میهن ما را نمی توانند به این سوال پاسخ دهند. زیرا میلیونها تن از هموطنان ما هر روز و هر ساعت بار سنگین جنگ را بر شانه های خود حس می کنند و کمتر خانواده زحمتکشی را می توان یافت که فرزند و پیا نان آور خود را از دست نداده باشد. البته آنچه در کشور ما می گذرد، بی آمدهای مخرب یک جنگ باصطلاح معمولی است. اما، آنچه مجموعه بشریت و هستی آن را تهدید می کند وجود ذخائر عظیم سلاحهای هسته ای است.

طبق آمار رسمی هم اکنون در جهان بیش از ۵۰ هزار کلاهک اتمی انبار شده است که قدرت ویرانگر آنها به اندازه یک میلیون بمب هسته ای، از نوع بمب هسته ای منفجر شده در هیروشیما است. سالیانه در جهان بیش از یک تریلیون دلار صرف هزینه های نظامی می شود که ایالات متحده آمریکا بالاترین رقم هزینه را داراست. طبق آمار رسمی، کل هزینه نظامی آمریکا از سال ۱۹۴۶ تا پایان سال ۱۹۸۶ بالغ بر ۲/۴ تریلیون دلار بود. در سال جاری رقم در نظر گرفته شده در بودجه به ۳۰۰ میلیارد دلار می رسد که در تاریخ بودجه های نظامی ایالات متحده بی سابقه است. وزن مخصوص تولید تجهیزات نظامی در کل تولید آمریکا بیش از مجموعه کشورهای رشد بقیه در ص ۲

## پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!



## ذهن گرائی را نباید...

یافته صنعتی سرمایه داری است. در حال حاضر آنچه کل موشکها و حدود نصف توپ و مسلسل و تفنگ جهان سرمایه داری در ایالات متحده آمریکا تولید می شود. در این کشور ۱/۳ ناوهای جنگی غرب ساخته می شود. بیش از ۲/۶ میلیون تن در کارخانه های عظیم تولید تجهیزات نظامی آمریکا مشغول کار هستند.

مجموعه های نظامی - صنعتی آمریکا و دیگر کشورهای عضو "ناتو" و همدستان آنها در حاکمیت با تمام توان می کوشند تا به مسابقه تسلیحاتی دامن زنند. نیروهای صلحدوست و مترقی در این کشورها با این سیاست که موجودیت بشری را تهدید می کند، مخالف هستند. آنان می دانند که مسابقه تسلیحاتی در خدمت منافع داخلی و خارجی بورژوازی انحصاری است. این یک واقعیت است. اما هدف عمده ارتجاعی ترین جناح امپریالیسم جهانی از تشدید مسابقه تسلیحاتی جلوگیری از روند از هم پاشی نظام سرمایه داری، حفظ مواضع آن در جهان و جلوگیری از پیروزی سوسیالیسم در مسابقه مسالمت آمیز میان دو سیستم است.

بدون تردید، هدف اساسی ارتجاع از دامن زدن به مسابقه تسلیحاتی، بمثابة یکی از اشکال سیاست طبقاتی بورژوازی انحصاری، از بین بردن توازن نظامی - استراتژیک میان اتحاد شوروی با ایالات متحده، میان "پیمان ورشو" و بلوک "ناتو" به منظور یورش به سوسیالیسم از طریق بکار گرفتن کلیه اهرمهای نظامی، سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک است.

مسابقه تسلیحاتی با مصالح ملی همه کشورهای رشد یابنده آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین نیز در تضاد است. امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، از قدرت نظامی برای سرکوب هر گونه نهضت رهائی بخش و هر نوع جنبش ضد امپریالیستی در "جهان سوم" استفاده می کند.

انحصارهای فراملی، برای تأمین شرایط غارت منابع طبیعی و استثمار میلیونها انسان در کشورهای نواستقلال، مسابقه تسلیحاتی را، بویژه در میان کشورهای دست نشانده دامن می زنند. نظریه پردازان امپریالیسم پنهان نمی کنند که جلب کشورهای رشد یابنده به روند مسابقه تسلیحاتی شرایط لازم را برای بکارگیری شیوه های بهره کشی نواستعماری فراهم می سازد.

امپریالیسم با ایجاد تفرقه و دشمنی، به منظور شعله ور ساختن آتش جنگ های منطقه ای در این یا آن گوشه از جهان، می کوشد تا کشورهای "جهان سوم" را به خرید هر چه بیشتر تجهیزات مدرن نظامی از مجتمع های نظامی - صنعتی وادارد. بموجب آمار، در فاصله ۱۹۴۵ تا پایان ۱۹۸۶، ۲۵۰ میلیارد دلار در جهان روی داده است که در آنها حدود ۹۰ درصد دولت شرکت داشته اند. در این جنگها، که امپریالیسم مبنکر آن بوده است، بیش از ۲۵ میلیون تن نظامی و غیر نظامی جان خود را از دست داده اند.

چنین است فقط گوشه ای از حقایق که مبارزه در راه صلح و امنیت بشری را در دستور روز قرار می دهد. روند تنش زدائی، که هسته مرکزی سیاست خارجی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی

را تشکیل می دهد، نه تنها با بقا بشریت، بلکه در عین حال با رشد اقتصادی کشورهای "جهان سوم" پیوند ناگسستنی دارد. کنفرانس جهانی "خلع سلاح و رشد" که چندی پیش برگزار گردید این واقعیت را بار دیگر به ثبوت رساند.

امروز، در شرایط انباشت مرگ افزارهای جمعی، از سلاحهای هسته ای گرفته تا شیمیایی، مسئله مبارزه در راه خلع سلاح و مراعات اصل همزیستی مسالمت آمیز میان کشورها اهمیت فوق العاده ای کسب می کند. در حال حاضر هیچ راه دیگری جز همزیستی مسالمت آمیز نیست. همزیستی مسالمت آمیز یگانه راه حفظ بشریت از خطر نابودی است.

ناگفته روشن است که همزیستی مسالمت آمیز به معنی سازش طبقاتی و صرف نظر کردن از مبارزه طبقاتی نیست. همزیستی مسالمت آمیز شکل فراگیر تنظیم مناسبات میان کشورهای دارای سیستم های اجتماعی گوناگون است.

در برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی گفته می شود که سیاست همزیستی مسالمت آمیز ناظر بر این نکات است: امتناع از جنگ و کاربرد زور یا تهدید با نیرو برای حل مسائل مورد مناقشه، عدم مداخله در امور داخلی دیگر کشورها و احترام متقابل به منافع قانونی و حق خلقها در تعیین سرنوشت مستقل خویش، رعایت اکید حق حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها و غیره. همزیستی مسالمت آمیز حق زندگی خلقها در جامعه بری از ستم اجتماعی و ملی، در جامعه برابر واقعی و دمکراسی حقیقی را در نظر دارد. همزیستی مسالمت آمیز حق مبارزه انسانها برای پایان دادن به بهره کشی را نمی کند، بلکه هم "صدور" ضد انقلاب را، که خشن ترین شیوه پایمال سازی حق مسلم خلقها و نادیده انگاری اراده آنها در راه گزینش آزادانه راه رشد مستقل خویش است، و هم "صدور" انقلاب را رد می کند.

بنابراین، پایه همزیستی مسالمت آمیز را یک رشته اصول مسلم تشکیل میدهد. این اصول بازتاب خواست دوران معاصر است و منافع مجموعه بشر را در نظر می گیرد. اصول یاد شده در برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی دارای پیوند متقابل و وابستگی متقابل هستند و نفی یکی از آنها، خواه ناخواه به نفی دیگر اصول و مآلای نفی سیاست لنینی همزیستی مسالمت آمیز منجر خواهد شد.

متأسفانه چنانکه در اسناد پلنوم نیز خاطر نشان شده، برخی از نیروها هنوز هم به اهمیت مسئله حیاتی صلح و جنگ در شرایط مشخص کنونی آنچنان که باید پی نبرده اند. مثلاً می توان مطالب تفسیر منتشره در نشریه "راه کارگر" پیرامون قرارداد اخیر امضا شده میان اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا را درباره از بین بردن دو نوع موشک میان برد و کوتاه برد (از ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ کیلومتر) را به عنوان نمونه یاد کرد. نویسندگان "راه کارگر" حقایق مربوط به خطر نابودی تمدن بشری زائیده انباشت عظیم مرگ افزارهای جمعی را بدست فراموشی می سپارند و در مقاله "گامی به پیش در راه خلع سلاح هسته ای" (شماره ۴۶ - سال ۱۳۶۶) با استناد به شایعه پراکنی های بلندگویان امپریالیسم، به اتحاد شوروی "درس" باصطلاح

"انترناسیونالیسم در کردار" می دهند. تحلیل گران "راه کارگر" که ماهیت سیاست "اشتی ملی" برخی از کشورهای مترقی را درک نکرده اند از "برنامه امپریالیسم" برای "ایزوله کردن و به افراد کشاندن انقلابات در کشورهای انقلابی" سخن می گویند. "راه کارگر" می نویسد: "تلاش برای قطع مسابقه تسلیحاتی و کاهش سلاحهای هسته ای و از این طریق مقابله با خطر جنگ هسته ای و بین المللی هیچگونه مغایرت و مبادینتی با کمک به انقلاب کارگری و توده ای در چهار گوشه جهان نداشته، بلکه می باید بمثابة خنثی کردن احتمال استفاده امپریالیسم از شانناژ اتمی علیه یک انقلاب معین بکار رود".

این سطور بیانگر اغتشاش فکری تحلیل گر است. معلوم نیست که منظور از "کمک به انقلاب کارگری و توده ای در چهار گوشه جهان" چیست؟ آیا هدف انقلاببهاشی است که روی داده و بیامی باید روی دهد؟ ما این سئوالها را مطرح می کنیم، برای اینکه هر یک از موارد مشخص نیاز به پاسخ مشخص دارد. اگر منظور انقلاببهاشی است که به پیروزی رسیده، در اینصورت نیازی به طرح ضرورت کمک به آنها نیست و اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی تا آنجا که در توان دارند یاری کرده و می کنند. حتماً "راه کارگر" می داند که اگر حمایت و کمک کشورهای سوسیالیستی نمی بود هیچیک از آنها نمی توانستند در مقابل فشار و محاصره اقتصادی امپریالیسم و دیگر توطئه های آن مدت زیادی دوام آورند.

اما، اگر هدف نویسنده "راه کارگر" از کمک به انقلاب کارگری و توده ای در چهار گوشه جهان، "راه انداختن انقلاب" در دیگر کشورها است سخت اشتباه می کند. انقلاب را طبقه کارگر و توده ها در هر کشوری رأساً بدون دخالت از خارج سازمان می دهند و به پیروزی می رسانند. اساساً در این مرحله "کمک" کشورهای سوسیالیستی می تواند فقط در شکل حمایت معنوی و جلوگیری از دخالت امپریالیسم جهانی تظاهر یابد.

نشریه "راه کارگر" استقرار صلح در جهان و مراعات سیاست همزیستی مسالمت آمیز را شرط و به پیشرفت انقلاب جهانی، "افزایش کشورهای انقلابی و انقلابات پیروزمند و از این طریق تحکیم بلوک سوسیالیست و اردوگاه انقلاب" می داند و می نویسد از این طریق "می توان از دستاوردهای جنبش صلح دفاع کرده و در عقب راندن امپریالیسم به پیش رفت". بدیگر سخن، از دید "راه کارگر" استقرار صلح و تأمین امنیت بشری، در شرایط خطر انفجار هسته ای و نابودی جهان، که وظیفه مبرم و عاجل همه انسانهای مترقی است، با مسئله انقلاب جهانی، بمثابة یک روند دراز مدت، در هم آمیخته می شود و اولی تابع دومی می گردد. تصادفی نیست که مفسر "راه کارگر" نتیجه می گیرد: "در غیر اینصورت همزیستی مسالمت آمیز به نفع پیشروی ارتجاع جهانی و به نفع افزایش خطر جنگ هسته ای و جهان تمام خواهد شد".

همزیستی مسالمت آمیز به مثابه ادامه سیاست طبقاتی پرولتاریای پیروزمند در عصر هسته ای به شرط بقا مجموعه بشریت تبدیل شده است. کسانی که این حقیقت را نادیده می گیرند و در "عالم تخیل" بسر می برند و ذهن گرائی را



## زنده یاد دهخدا

۱۷ اسفند، سالروز خاموشی دهخدا، یکی از بزرگمردان تاریخ معاصر میهن ماست. این رادمرد بزرگ، که تمام عمرش را در خدمت مردم بود، بی تردید مقام شامخ و یگانه‌ای، بویژه در رشد و بالندگی فرهنگ معاصر کشور ما دارد.

وی که در دوران انقلاب مشروطیت نشریه "صور اسرافیل" را با همکاری میرزا جهانگیر خان صور اسرافیل منتشر ساخت (۲۲ شماره)، بویژه با مقالات طنزآمیز خود، زیر عنوان "چرند و پرنده"، با امضا "دخو"، "خرمگس"، "سگ حسن دله"، "روزنومه چی" و غیره، نقش روشنگر و افشاگرانه‌ای علیه استبداد محمد علی شاهی داشت. دهخدا به مبارزه آزادیخواهان خود، در هیئت یک روزنامه‌نگار برجسته، تا هنگام به‌توب بستن مجلس ادامه داد. سپس ناگزیر از مهاجرت شد. اما در آنجا نیز بیکار نماند. انتشار "صور اسرافیل" را (تا سه شماره) پی گرفت (در شهر "ایوردون" سوئیس). سپس به استانبول رفت و نشریه "سروش" را در آنجا منتشر ساخت. پس از خلع محمد علی شاه از سلطنت، به ایران بازگشت و در مجلس دوم، از سوی مردم کرمان، به نمایندگی انتخاب شد. دهخدا از اعضا فرهنگستان ایران بود. سالیانی چند نیز ریاست مدرسه علوم سیاسی و پس از آن دانشکده حقوق را عهده‌دار بود. کار سترگ فرهنگی دهخدا،

بزرگترین لغت نامه موجود در زبان فارسی است که با ۴۵ سال تلاش پیکر و تهیه حدود یک میلیون فیش بیابان رسید. امثال و حکم، فرهنگ فرانسه به فارسی، شرح حال ابوریحان بیرونی، تعلیقات بر دیوان ناصر خسرو، تصحیح دیوان حافظ، تصحیح دیوان منوچهری، تصحیح لغت فرس، دیوان اشعار، تصحیح صحاح الفرس، تصحیح دیوان سوزنی، ترجمه "روح القوانین" و "عظمت و اتحاط رومیان" از دیگر آثار دهخداست. این بزرگمرد فرهنگ و ادبیات ما، در سال ۱۳۲۴، چشم بر زندگی فرو بست.

دهخدا از پیشروان نشر نو در روزنامه‌نگاری میهن ماست - که در آن دوران تازه باب شده بود. نثر او، که طنز کزنده‌ای جاشنی آن است، به سلاست، زیبایی، بی‌پیرایگی شهره است و در عین حال از جسات و شجاعت فوق‌العاده او، در مقام یک روزنامه‌نگار مسئول و متعهد، حکایت می‌کند. اینک بریده‌هایی از "چرند و پرنده" را مرور می‌کنیم:

"عقل و دولت"

دهخدا در این زمینه که "بزرگان و متشخصین" چگونه "عادتهای زشت" را از سر مردم می‌اندازند، می‌نویسد: "... مثلاً ببینید، واقعا شاعر خوب گفته است که عقل و دولت قربین یکدیگر است. مثلاً وقتی که بزرگان فکر می‌کنند که مردم فقیرند و استطاعت نان گندم خوردن را ندارند و رعیت همه عمرش را باید به زراعت گندم صرف کند و خودش همیشه گرسنه باشد، ببینید چه می‌کنند: روز اول سال نان را با گندم خالص می‌پزند. روز دوم در هر خرواز یک

من تلخه، جو، سیاهدانه، خاک اره، یونجه، شن، مثلا مختصر عرض کنم، کلوخ، چارکه، گلوه، هشت مثقالی می‌زنند. معلوم است در یک خرواز گندم که صد من است، بکن از این چیزها هیچ معلوم نمی‌شود. روز دوم دو من می‌زنند. روز سوم سه من و بعد از صد روز که سه ماه و ده روز بشود، صد من گندم صد من تلخه، جو، سیاهدانه، خاک اره، کاه، یونجه و شن شده است. در صورتیکه هیچ کس ملتفت نشده و عادت نان گندم خوردن از سر مردم افتاده است. واقعا که عقل و دولت قربین یکدیگر است."

لقب دادن و لقب گرفتن

"عزیزم خرمگس! اولاد آدم مثل تو سر سلامت به گور نمی‌برد. تو را چه افتاده خودت را داخل کارهای دولتی بکنی، لقب بدهی، لقب بگیر. مگر نشنیده‌ای که شاعر می‌گوید: صلاح مملکت خویش خسروان دانند؟ از این گذشته تو چرا باید حق نمک را فراموش کنی و خدمت‌های دکتر میرزا رضا خان پرنس ارفع الدوله را از نظرت محو نمایی. مگر مواد قرار داد قرض ایران را از روس نخوانده‌ای؟ مگر غریب نوازیها و مهمان دوستی‌های او را مسبق نیستی؟ مگر روزنامه‌های خارجه را نمی‌بینی که هر روز پرنس بیچاره از کوتاهی اسم خودش کله می‌کند. اگر من جای تو باشم این لقب را می‌دمم به پرنس و دعوا را کوتاه می‌کنم و بعد از این ایشان را اینطور خطاب می‌نمایم: سفیر کبیر اقبالتس پرنس صلح دکتر امیر نویان میرزا رضا خان ارفع الدوله دانش."

هرگز نمیرد آن که دلش زنده شده به عشق

ثبت است بر جریده عالم دوام ما

## اگر شاه توانست،

### شما هم می‌توانید

ریزش سقف

### رفیق همت تقی زاده را کشت

رفیق همت تقی‌زاده، از دهقانان مبارز روستای آق‌بلاغ آقاجان خان، از توابع اردبیل، که چندی پیش از زندان ج.ا. آزاد شده بود، در اثر ریزش سقف خانه‌اش جان سپرد. وی بیش از ۵ ماه برای گرفتن تیر آهن و ترمیم سقف خانه‌اش در راه‌روهای بخشداری، کمیته توزیع تیر آهن و غیره سرگردان بود. اما به علت توده‌ای بودن به نتیجه نرسید و سرانجام در بیستم مهر ماه امسال سقف بر سرش خراب شد.

رفیق همت در سال ۱۳۰۰ در یک خانواده زحمتکش دهقانی چشم به زندگی گشود. روحیه مبارزه جوش او را از آغاز جوانی به صفوف حزب توده ایران کشاند و تا پایان زندگی سراسر رنج و پیکارش به حزب وفادار ماند. تلاش رفیق همت

جایگزین واقع بینی می‌کنند سخت در اشتباهند. حفظ صلح و تأمین امنیت بشری امروز در مقابل همه انقلابیون و نیروهای مترقی قرار دارد. نجات تمدن و موجودیت بشر برای ما توده‌ایها اهمیت حیاتی دارد. برای ما پیکار در راه موجودیت بشر و نجات کره زمین از خطر نابودی عنصری است از مبارزه در راه آرمانهای والای طبقه کارگر.

## "اویسن"

بستر حریرگون نسترن‌های سرخ،  
تیرباران آواز چکاوک‌ها،  
و ترنم دوباره آواز عاشقان حنجره خونین،  
شور جاری زلال چشمه ساران،  
در انجماد تپاهمی،  
کاکل‌های خونین پریشان در باد  
آوردگاه داس و ساقه‌های ترد شقایق،  
خون، خون،  
شتک، شتک  
بر کاکل سنبله‌های گندم،  
اینجا حصار در حصار  
اینجا بند در بند  
اینجا خون مشتعل سوزان در بند  
اینجا اویسن است.

"سپامک"

نتوانست. و شما هم نمی‌توانید. رفیق همت از سبیلهای ایمان و استواری در زندان بود. روحیه شاداب و سرزنده‌اش، بویژه بر جوانان تاثیر بسیار مثبت و سازنده‌ای داشت. همراه با جوانان ورزش می‌کرد و آنان را بر سر شوق می‌آورد تا با روحیه قوی جو فشار در زندان زابشکنند. محبوبیت زیاد او در میان دهقانان اعتراض و مراجعه جمعی آنان سرانجام موجب آزادی‌اش از زندان گردید. اما رژیم خیانت پیشه ج.ا. که کمترین امکانات را از توده‌ای‌ها دریغ می‌دارد، سرانجام وسیله قتل رفیق همت فراهم ساخت. یادش گرامی باد!

برای آگاه و متشکل ساختن دهقانان و مبارزه با مالکان، بارها به دستگیری‌اش انجامید. در جریان یورش به حزب، او نیز در زمره اسیران توده‌ای بود. او معتقد بود که "رژیم به خیال خام خود می‌خواهد حزب را نابود کند تا دستش برای استثمار مردم باز شود، اما این آرزوی محالی است. حزب در میان توده‌های ریشه‌دار و ناپوبدی آن غیر ممکن است." هنگامی که موسوی اردبیلی به زندان رفت تا زندانیان را "به سر عقل" بیاورد، رفیق همت در پاسخ او گفت: "من در زندان شاه نیز بوده‌ام. اگر شاه توانست مرا بخرد و غلام حلقه بکوش خود کند، شما هم می‌توانید. ولی شاه



## تقسیم ناعادلانه آب

دهقانان روستاهای "حور" و "رز"، از توابع اردبیل، به تقسیم ناعادلانه آب در روستاهای خود اعتراض کردند و بطور متحد تصمیم گرفتند. چنانکه آب به مقیاس زمین تقسیم نشود، از سال ۶۷ خود دست پکار اجرای تقسیم عادلانه آب شوند. هم اکنون در "حور" یکی از فئودالهای معروف، بنام بختیارخان اسبقی، روزانه ۱۲ ساعت حق استفاده از آب دارد، در حالیکه دهقانان بطور متوسط هر ۱۵ روز ۲ ساعت آب تعلق می‌گیرد و همچنین در روستای "رز" شخصی بنام اسفندیار طاهری، از عوامل رژیم پیشین، در هر ۱۲ روز، بیش از ۱۵ ساعت آب به مزارع و باغستان خود سرازیر می‌کند. و نیز روستانشینان "حور" به تقسیم ناهایر بر کودشیایی و اداره اموره بوسیله چند نفر از عوامل رژیم پیشین اعتراض کرده‌اند.

## جنگلداری عقب نشست

جنگلداری اردبیل تاکنون برای تصرف بخشی از زمین‌های زراعی و مراتع اطراف روستاهای پیره دره، تقیه، حور، رز، سقرچی، سوا، نیارق، آلازگه، برلین، گرمه، چشمه، دورچن، آبی بیگلر، درمان دره، کریم کندی، کله سر، خانقاه، نیرو و غیره خیز برداشته و می‌خواهد آنها را زیر پوشش خود بگیرد، اما موفق نشده است. عوامل جنگلداری پارها کوشیده‌اند که زمین‌های مورد نظر را با سیم خاردار محصور کنند، اما هر بار با اعتراض و مقاومت جمعی روستائیان مواجه شده و دست از پا درازتر باز گشته‌اند.

## عوامل رژیم ج.ا. در کراچی

اخیرا تعداد زیادی از پاسداران و عناصر بسیج و بازجویان سابق سپاه در شهرهای مختلف ایران به کراچی آمده‌اند و حتی به قصد گرفتن پناهندگی به دفتر کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد مراجعه کرده‌اند. نام و مشخصات برخی از عوامل رژیم در دفاتر و نشریات تشکلهای مربوط به پناهندگان نیز آمده است.

در میان این افراد میتوان از چهره‌های زیر نام برد:

عمرانی، مسئول امنیت کنسولگری ج.ا. در کوئته (وی در حمله به مجاهدین در کوئته نقش فعالی داشت).  
 محمود رفعتی، قاتل یکی از فدائیان خلق (اقلیت) در پهنی، اسداله اکبری، عضو سپاه و مسئول زندان سپاه در اصفهان و خمینی شهر؛ محمود احمدی‌فر، کارمند سفارت ایران در کوئته (وی هم اکنون در کوئته دانشجوی پزشکی است)، اکبر منتظر قائم، جواد منصوری، معاون فرهنگی وزارت امور خارجه، عبدالعلی رزقی، مدیر امور کنسولی وزارت امور خارجه و مرتضوی، یکی از مسئولان سابق زندان اصفهان (پاسدار).

بجز این افراد، چند نفر از پاسداران و بازجویان سپاه در مسجد سلیمان و چند نفر از اعضای سپاه در بلوچستان، از جمله فرمانده سپاه در زاهدان، ایرانشهر و گروهی دیگر از عوامل رژیم بطور مرتب در کراچی دیده شده‌اند و نام آنها در نشریات تشکلهای پناهندگی آمده است.

حضور این افراد و احتمالاتها چهره ناشناس، دیگر رنگ خطری است برای پناهندگان و پناهجویان ایرانی در پاکستان و نشان میدهد که رژیم در فکر اجرای توطئه‌های دیگری علیه مخالفان خویش در میان آوارگان وطن است.



همچنین عوامل رژیم هدف خرید اسلحه و تماس با قاچاقچیان سلاح را تعقیب میکنند.

از آغاز سال جدید میلادی پلیس پاکستان می‌کوشد کلیه محلهای مسکونی ایرانیها را بطور سیستماتیک تحت کنترل و شناسایی قرار دهد و در عین حال پناهندگان تازه وارد و پناهجویان ملزم شده‌اند که خود را در روزهای معین به پلیس محلی معرفی کنند. پلیس حتی در مواردی نامه‌های پناهندگان را می‌خواند، بخصوص پاکت‌های حجیم‌تر را که احتمال می‌رود حامل نشریات سازمانهای سیاسی ایرانی باشد، حتما مورد بازرسی قرار می‌دهد و نیز گاهی سرزده وارد خانه پناهندگان میشود و سوراخ سنبه‌های خانه‌ها را با دقت جستجو می‌کند.

این نشان می‌دهد که ارتجاع حاکم بر ایران و پاکستان بویژه علیه نیروهای انقلابی پناهنده به پاکستان همکاری توطئه آمیز دارند. ما بویژه از نیروهای مترقی در پاکستان می‌طلبیم که با حمایت هر چه گسترده‌تر از پناهندگان ایرانی، توطئه‌های گوناگون علیه آنان را خنثی سازند. همچنین از اعضا و هواداران حزب در پاکستان می‌خواهیم که با هشیاری و دقت هر چه تمام‌تر عمل کنند.

## حکومت نظامی در ده

حمله پاسداران به خانه چند نفر از دهقانان روستای "لالی پم"، در ۱۰ کیلومتری ساری، و مضر و ساختن آنان، سر و صدای زیادی پیاورد. در اثر فشارهای پیش از حد پاسداران، دهقانان لالی پم به یک حرکت اعتراضی دست زدند. پاسداران برای خاموش ساختن صدای اعتراض اسلحه کشیدند. اما دهقانان عقب نشستند و یکی به نمایندگی دیگران فریاد زد: "شما شرم نمی‌کنید که بروی ما اسلحه میکشید؟ این اسلحه را ما به شما دادیم و ما هم از شما پس خواهیم گرفت." سرانجام، پاسداران در ده حکومت نظامی برقرار کردند و در شب ۲۸ شهریور با یورش به خانه چند نفر دهقان و تهدید زن و

بچه‌های آنان، به زور اسلحه دستگیرشان ساختند. آنها سپس دستگیرشدگان را به چنگل بردند و کتک مفصلی زدند. اما این عمل غیر انسانی سبب نشد که موج اعتراض پایان بگیرد. زنان سر و صدا پراه انداختند و یکی از آنان که از کتک خوردن همسرش شدت خشمگین بود و در روی عوامل رژیم گفت: "تقصیر ماست که به آخوندها احترام گذاشتیم. این نتیجه اعتماد ماست." پرونده این درگیری در استانداری و کمیته پاسداران ساری در جریان است.

## بازگشت به دوران خان خانی

در ۲۸ آبان، اتوبوسهایی که از مشهد به تهران می‌آمدند، در چند جا مورد بازرسی قرار گرفتند. یکی از اتوبوسها، در فاصله یک ساعت، سه بار بازرسی شد. مسافران، از زن و مرد و کودک، با تمام وسایل، از اتوبوسها بیرون کشیده می‌شوند و با وضعی تحقیر آمیز تفتیش بدنی می‌شدند. حدود نیمه شب، در هوای سرد، مسافران را از اتوبوس پیاده کردند و به صحن مسجدی بردند. در آنجا تمام محتویات ساکها و چمدانها و جیبها و حتی کفشهای مسافران بازرسی شد. در نوبت بعدی، ماموران کمیته وارد اتوبوس شدند و گروه زیادی را پیاده کردند و تک تک از آنها بازجوئی کردند. ساک زن هفتاد ساله‌ای را جستجو کردند و زن جوانی را، به علت اینکه تنها مسافرت می‌کرد، بازداشت کردند و مانع ادامه سفرش شدند. زن و شوهر جوانی نیز به علت نامعلومی بازداشت شدند. در مجموع، بیش از ۱۰ نفر از مسافران بازداشت شدند. این وضع برای همه اتوبوسهای عبوری در چاده مشهد - تهران عومیت داشت. راننده یکی از اتوبوسها میگفت: "ما به دوران خان خانی برگشته‌ایم که هر ایالت و ولایتی برای خود حاکمی دارد و هیچکس بجز خودش را قبول ندارد."

## "بند ۴ بالا"

ماههاست که در "اوین" "بند ۴ بالا" تشکیل شده است. این بند مخصوص زندانیانی است که مدت محکومیتشان پایان یافته، اما به علت ماندن سر موضع آزاد نشده‌اند. تعداد زیادی از کادرهای حزبی در این بند هستند. رژیم فشار می‌آورد که یا نوار ویدئو پر کنند، یا مصاحبه کنند و یا انزجار نامه بنویسند. اما زندانیان سر موضع مقاومت میکنند و رژیم برای در هم شکستنشان از هر حره غیر انسانی و ناچوانمردانه‌ای سود می‌جوید. اخیرا هیئتی مرکب از انصاری، سرپرست زندانها، مشاور حقوقی نخست وزیر و چند نفر از نایندگان مجلس سرزده، از "بند ۴ بالا" دیدن کردند. انصاری در پاسخ رفقائی که فعالیت خود در حزب توده ایران را خلاف قانون نمی‌دانستند و بر این اساس به دستگیری و محکومیت خود اعتراض میکردند، گفت: "مشکل شما همین است. الان نام بردن از حزب توده (ایران) خودش جرم محسوب



می‌شود. "وی با تأکید بر اینکه " از کجا بدانیم شما پس از آزادی از زندان فعالیت گذشته را دنبال نکنید" از زندانیان توده‌ای خواست که اظهار ندامت و پشیمانی کنند. به او گفته شد: "تا آنجا که مامی‌دانیم، در اسلام قصاص قبل از جنایت وجود ندارد. شما ما را آزاد کنید و اگر خلافی کردیم با ارائه مدرک دستگیرمان کنید، نه اینکه به حرف آن که ممکن است مرتکب خلافی بشویم در زندان بمانیم". انصاری گفت: "در اسلام قصاص قبل از جنایت وجود ندارد، ولی قرنطینه وجود دارد. افراد خاطی تا زمانی که اصلاح نشوند باید از اجتماع دور باشند و حق امتزاج با جامعه را ندارند". پرسیده شد: "این چه قرنطینه‌ای است که نه هوا خوری دارد، نه غذای کافی، نه آب گرم. زندانیان سیاسی کتک می‌خورند و... هئیت یاد شده پرسش آخر را بدون پاسخ گذاشت و "بند ۴ بالا" را ترک گفت. گفتگوی مورد اشاره را یکی از نمایندگان مجلس، در یک محفل خصوصی، فاش کرده است.

### "بعنوان تنبیه"

- در صورت خرابی قفل در، دستشویی‌ها، شعار نوشتن روی دیوارها و غیره، از زندانیان سیاسی، بعنوان تنبیه، جریمه نقدی گرفته می‌شود. در صورت نداشتن پول، انکستری، ساعت، عینک و دیگر لوازم زندانیان مصادره می‌شود. - ورزش جمعی در زندان ممنوع شده است. اخیراً وقتی زندانیان سیاسی "اوین" بر ضرورت ورزش جمعی اصرار ورزیدند، بعنوان تنبیه، هواخوری شان قطع شد.

- در "اوین" از زندانیان خواستند که حمل میوه به داخل زندان را بعهده بگیرند. زندانیان نپذیرفتند و گفتند: "تنها پخش میوه در داخل بندها به عهده ماست". بعنوان تنبیه، مدتی سهمیه ناچیز میوه زندانیان قطع شد.

- پس از اعتصاب غذای ۵ روزه شهریور ماه در اعتراض به وضع ناهنجار حاکم بر زندان، بعنوان تنبیه، کتک مفصلی خوردند و قند و شکر و چایشان در مجرای فاضلاب ریخته شد.

- از گروهی از "سازمان دهندگان اعتصاب در زندان"، که به انفرادی انداخته شده بودند، هیچ خبری در دست نیست. این گروه، بعنوان تنبیه، ممنوع‌الملاقات شده‌اند.

- در آستانه فصل سرما (آذر ماه)، بعنوان تنبیه آب گرم زندان گوهر دشت قطع شد. یعنی حمام و نظافت ممنوع و افزایش بیماری‌های پوستی و کجلی. همچنین فروشگاه این زندان بسته شده است.

### نتیجه بحث و تبادل نظر

برای جلوگیری از اجتماع و بحثهای جمعی خانواده زندانیان سیاسی، تمهیدات گوناگونی اندیشیده می‌شود. پاسداران با توپ و تشر و تهدید میکوشند همه را از هم جدا کنند. گاهی

یکی دو نفر را برای زهر چشم گرفتن از دیگران دستگیر میکنند و اخیراً سعی می‌شود که ملاقاتها هر چه سریعتر سازمان داده شود. سپس وابستگان زندانیان سیاسی مکلف می‌شوند که بلافاصله محوطه مربوطه را ترک کنند. رژیم می‌داند که تبادلات نظر خانواده‌های زندانیان سیاسی برایش نتیجه خوبی ندارد.

### مواظب نفوذی‌ها باشید

در جریان دستگیری نزدیک به ۶۰ تن از خانواده‌های زندانیان سیاسی، هنگام تظاهرات



در مقابل دفتر سازمان ملل متحد در تهران، شخصی بنام "مریم سلیمی"، از بازجویان "ساواجا"، خود را در میان تظاهر کنندگان چارزه بود. قصد او شناسائی "سازمان دهندگان تظاهرات" بود و گروهی نیز به اشاره او دستگیر شده بودند که ۴ روز پس از رفتن پرز دو کوئینار آزاد گردیدند.

### جابجائی در زندان‌ها

اخیراً جابجائی‌های در زندانهای مختلف کشور انجام شده و یا در حال انجام است. بسیاری از زندانیان، بویژه توده‌ایها به زندانهای دیگر شهرها تبعید میشوند. گفته می‌شود که رژیم میخواهد "توطئه اشخاص ناراحت" را خنثی کند.

### کارگران "ایران پویا":

#### به جبهه نبرویم! کمک نمی‌کنیم!

درمهرماه امسال، گروهی از کارگران "ایران پویا" ("جنرال استیل" سابق) که تحت تأثیر تبلیغات انجمن اسلامی برای اعزام به جبهه ثبت نام کرده بودند، خبر دادند که منصرف شده‌اند. از ۱۲۰۰ نفر کارگر، تنها دو نفر، در تاریخ ۱۵ مهر، به جبهه اعزام شدند. همچنین انجمن اسلامی اعلام کرده بود که معادل یک روز از حقوق کارگران برای کمک به جبهه کسر خواهد شد. این تصمیم خودسرانه به اعتراض شدید کارگران انجامید. انجمن اسلامی اعلام کرد: کسانی که مایل نیستند از حقوقشان کسر شود، کتبا اعلام کنند. با آنکه این شیوه ساواکی برای شناسائی کارگران ناراضی از ادامه جنگ به کار گرفته شده بود، عده زیادی از کارگران کتبا نوشتند که مایل نیستند از حقوقشان چیزی برای جبهه کسر شود. عده‌ای نیز رقم کمی را پیشنهاد کردند. اما در آخر ماه، عملاً یک روز از حقوق همه کارگران کسر شد. این سبب عصبانیت و اعتراض شدید

کارگران گردید. کارگرانی بودند که علناً به انجمن اسلامی بدو پیراه می‌گفتند و تنفرشان را از جنگ نشان می‌دادند.

"ایران پویا" که در سال ۶۴ روزانه بیش از ۸۰۰ دستگاه یخچال تولید می‌کرد، از مهرماه تاکنون به علت نداشتن مواد اولیه تقریباً کارها را خواهمانده است. فقط در جریان ورود یک هیئت نمایندگی از صنایع کشور بلقارستان، مدیریت کوشید تا در مقابل ممانان خارجی کارخانه را فعال نشان بدهد. قسمت تولید پروفیل "ایران پویا" نیز، که بخش عمده آلومینیوم مورد نیازش را از آلومینیوم سازی اراک تأمین می‌کند - و کارخانه اخیر در اثر بمباران صدمه دیده است - در حال رکود است. کمبود مواد اولیه ظرفیت تولید در "ایران پویا" - یعنی بزرگترین تولیدکننده پروفیل کشور - را تقریباً به صفر رسانده است. هم اکنون قیمت پروفیل در بازار به کیلویی بیش از دو هزار ریال رسیده است.

تهدید به بیکاری کارگران "ایران پویا" را به شدت نگران کرده است. وضع بد مادی کارگران را مجبور می‌کند که لباس و کفش ایمنی خود را - که سالی دو بار تحویل می‌گیرند - از کارخانه خارج کنند و بفروشند.

### پس از اعدام مهدی هاشمی

پس از اعدام مهدی هاشمی، گروهی از اصفهان برای تحویل گرفتن جسد او به تهران آمدند. در فرودگاه مهرآباد بین آنها و ماموران رژیم درگیری شد. کار به تیراندازی موافی کشید. یک هواپیمای لوفت هانزا، که برای پیاده کردن مسافران آماده می‌شد، به تصور آن که ممکن است کار به گروگان گیری بکشد، بلافاصله فرودگاه را ترک گفت و... بهر حال دوستان مهدی هاشمی نتوانستند جسد وی را تحویل بگیرند و به اصفهان بگردند.

### استعفاي ۲۹ نفر پاسدار

گروهی از پاسداران علمدار، از شهرهای آذربایجان، (۲۹ نفر)، به علت درگیری با آخوند علی‌داد زاده، امام جمعه علمدار، از سپاه کنار کشیدند. آنها شخص یاد شده را دزد و کلاش می‌دانستند و در درگیری با وی، کارشان به تهریز و سپس به تهران کشیده شد. اما چون نتوانستند امام جمعه دزد و کلاش را عقب بکشند استعفا دادند. با آن که دو سال از تاریخ استعفا آنها می‌گذرد، هنوز درگیری بین پاسداران مستعفی و امام جمعه علمدار ادامه دارد.

### ارز مصادره شده از گروه هاشمی

یکی از کارخانه‌داران بزرگ اصفهان در مجلس گفته است که قبل از اعدام سید مهدی هاشمی، رژیم به منابع مالی این گروه دست یافته است. از جمله توانسته است که یکصد میلیون دلار و ۱۲۲ میلیون پوند ارز را مصادره کند.



اعلامیه کمیته مرکزی

اندازی بر دستاوردهای مبارزات زنان در دهه‌های پیشین و از تصویب گذاردن قوانین زن ستیزانه در پوش "شرع" و تلاش برای تحمیل آنها بیاری انواع نهادهای جاسوسی و سرکوب از طریق دستبازی به خشن‌ترین اشکال و شیوه‌های ضد انسانی می‌کشند زنان را در چهار دیوار خانه و آشپزخانه برده و اره بند کشند و از شرکت فعال در زندگی اجتماعی محروم سازند. در حال حاضر، در جمهوری اسلامی، اکثریت مطلق زنان از استقلال اقتصادی بی‌بهره‌اند، زنان شاغل هم در برابر انجام کار واحد از حقوق یکسان با مردان برخوردار نیستند، شرایط و شدت کار زنان شاغل و زحمتکش بر استی غیر انسانی و درجه بهره‌کشی از آنها بسیار بالاست، هیچ نهاد و قانونی از حقوق مسلم خانواده و ازدختران جوان در آغاز زندگی زن‌شویی دفاع نمی‌کند، حق طلاق و چند همسرگزینی در اشکال دائمی و موقت یعنی صیغه‌از حقوق انحصاری مردان بشمار می‌رود، با کاهش حداقل سن ازدواج، زن‌شویی دختر بچگان ۹ ساله، یعنی یک اقدام تبهکارانه "مهر شرعی و قانونی" می‌خورد، حق سرپرستی فرزندان پس از طلاق، از زنان سلب گردیده است، دامنه بیسودی در بین زنان، بویژه زنان روستایی، بیش از پیش افزایش می‌یابد، به دستاویزهای خبیثی همانند "شاق بودن شرایط کار"، از تحصیل دختران از جمله در رشته‌های کشاورزی، داروسازی، معدن و ذوب فلزات جلوگیری بعمل می‌آید، تشدید وضع اسفناک بهداشت و درمان و کاهش فزاینده سطح زندگی زحمتکشان در شهرها و بویژه در روستاها، جسم و جان زنان محروم را آماج هزار درد و بلا و بیماری ساخته است.

رژیم در پی به اجرا گذاردن یورشهای وحشیانه و خونبار بر ضد نیروهای انقلابی و دمکراتیک و تشکلهای صنفی، سیاسی و توده‌ای مستقل و دستگیری هزاران هزار تن از اعضا و رهبران آنها، از جمله زنان را از حق تشکل و سازمانیابی واقعا آزادانه و مستقل محروم کرده است و می‌کوشیده و می‌کوشد هر گامی در این راستا سرکوب سازد. تعداد زنان در بند در فراموشخانه‌های رژیم در تاریخ معاصر ایران بی‌سابقه است.

افزون بر اینها، ادامه جنگ بخاطر پافشاری سردمداران مرتجع جمهوری اسلامی بر سیاست توسعه طلبانه و ماجراجویانه خود، دردها و رنجها و محرومیت‌های عظیمی برای زنان ایران به بار آورده است. وجود صدها هزار کشته، زخمی، معلول و اسیر جنگی، از وجود صدها هزار تن از مادران و همسرانی خبر می‌دهد که عزیزان و دل‌بندان و نان‌آوران خود را از دست داده‌اند.

در شرایط کنونی، همبای گسترش فزاینده ناخشنودی توده‌های مردم از ادامه جنگ و عدم استقبال از رفتن به جبهه‌ها، رژیم می‌کوشد با تنظیم طرحهای آموزش نظامی و اجباری و اعزام اجباری از جمله از زنان برای پیشبرد سیاست جنگ طلبانه خود حداکثر بهره برداری را بعمل آورد.

زنان آزاده و مبارز ایران!

شما امروز می‌توانید بحق با غروری بایسته بخود ببالید که در نتیجه پیکارتان در برابر تحمیلات و قوانین واپسگرایانه رژیم سر تسلیم فرود نیاوردید و با پایداری خود به اشکال و شیوه‌های گوناگون نشان دادید که چشم به آینده دارید. اگر رژیم می‌کوشد هر بانک آزادیخواهانه و جنبش حق طلبانه و صلح‌جویانه شما را با مشت و گلوله و دستبند و زندان پاسخ دهد، شما نیز با حضور در صحنه‌های پرشور مبارزه و در شکنجه‌گاههای خمینی، روح بیدار، آزمانخواهی رزمنده و اراده ستم ستیز زنان ایرانی را بنمایش گذارید. کارنامه خونین رژیم شما در جامعه و مقاومت شاد در دمه‌های دوزخی رژیم، در گذر از هفتخوان شکنجه و شلاق و با بر جای گذاردن صدها شهید بر استی ستایش برانگیز است.

مادران و خواهران!

برای ایجاد آینده و زندگی بهتر باید با صفوف متحد و فشرده در برابر رژیم آزادی‌کش و جنگ طلب خمینی بپاخاست و در راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح مبارزه کرد. شما باید در راه دستیابی به آزادی بیان و قلم، اجتماعات و تشکل با رژیم پیکار کنید. از اعزام فرزندان و همسران خود به جبهه‌ها جلوگیری بعمل آورید، با اجتماع در برابر پادگانها و مراکز اعزام نیرو و خواستار بازگشت عزیزان خود از جبهه‌ها شوید. به مشولان و فراریان از جبهه‌ها پناه دهید و آنان را از دسترس دشمنان صلح و آزادی دور نگهدارید. از هر گونه کمک مالی به جبهه‌ها خودداری کنید. در راه آزادی بهترین فرزندان در بند خلق که بخاطر دفاع از آرمانهای والا و انسانی خود و از جمله دفاع از حقوق بر حق زنان در سیاهچالهای رژیم، در مرز مرگ و زندگی بسر می‌برند، پیکار کنید. به اشکال گوناگون از مبارزات خانوادگی زندانیان سیاسی در راه بهبود وضع زندانها و آزادی فرزندان نشان پشتیبانی بعمل آورید. از هیچ گونه کمک مادی و معنوی به خانواده‌های اسیران در بند خلق کوتاهی نورزید. اخبار مربوط به مقاومت زندانیان سیاسی را دهان به دهان بازگو کنید و موج افشاکری و اعتراض علیه رژیم را برانگیزید.

مادران و خواهران!

بپاخیزید، متحد شوید، برزمید. در رژیم پرشکوهتان تنها نیستید. آزاد مردان میهن با شما

اعلامیه کمیته مرکزی

و در محلات شهرهای بزرگ و کوچک و کوشش در راه پیوند دادن آنها برای تامین مبارزه واحد در راه صلح را به عنوان یکی از شیوه‌های موثر برای مبارزه با سیاست "جنگ، جنگ تا پیروزی" رژیم دانسته است. همه هواداران حزب در داخل کشور موظف هستند این رهنمود حزبی را به موقع اجرا بگذارند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران از کلیه هواداران و دوستداران حزب در خارج از کشور می‌طلبد تا با ارسال نامه به دبیر کل سازمان ملل متحد، به رئیس نوبتی جنبش کشورهای غیر متعهد و سازمانهای مترقی و دمکراتیک فجایی را که در نتیجه سیاست رژیم خمینی در زمینه ادامه جنگ در میهن ما به بار آمده است، بازگو کنند. باید از هواداران دیگر سازمانهای انقلابی و مترقی و میهن‌دوست در خارج از کشور دعوت کرد تا مشترکا در کارزار برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق شرکت جویند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران خواهان اجرای فوری و بدون قید و شرط قطعنامه شماره ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد است. ما خواهان بیرون بردن هر چه زودتر کلیه ناوگانهای جنگی کشورهای غیر کرانه خلیج فارس از منطقه هستیم.

نابودباد جنگ، زنده باد صلح!

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
۱۲ اسفند ماه ۱۳۶۶

همراه و همسنگر و بشریت ترقیخواه جهان یار و یاور شما هستند.

خجسته باد هشتم مارس، روز همبستگی و رژیم مشترک زنان در سراسر جهان!

پیروز باد مبارزه زنان در راه آزادی و برابری حقوق!

تابناک باد خاطره زنان شهید راه آزادی و صلح!

درد آتشین به زنان آزادیخواه و میهن‌دوست زندانی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
اسفند ماه ۱۳۶۶

هدایت می‌شوند مدت معینی را با هم می‌گذرانند. هدف رژیم کنترل ملاقات کنندگان و ملاقات شوندگان بوسیله تلویزیونهای مدار بسته است. مسئولان می‌ترسند که دوران چشمشان "چیزی" میان پدر و مادرها و بچه‌ها رد و بدل شود.

"حاج مجید" همچنان در خدمت است

شخصی بنام "حاج مجید" که در شکنجه‌گاه شاه ساواک مشغول "خدمت" بود، اکنون نیز در حال "خدمت" به زندانیان سیاسی است.



برای آن که "چیزی" رد و بدل نشود

مسئولان زندان گوهر دشت ("رجایی شهر") از ملاقات فرزندان زندانیان سیاسی با پدر و مادرهاشان در محوطه باز جلوگیری می‌کنند. بچه‌ها و پدر و مادرها به اتاقهای تنگ و کوچکی

هموطنان، جبهه‌های جنگ را تحریم کنیم!



نسبت به زن روا می‌دارد ... از نظر اسلام زن، پمنا به یک عنصر انسانی تمام مراحل کمال را که حدی برای آن نیست می‌پیماید ... زن به عنوان یک دانشمند، مخترع، مبتکر، فیلسوف، معلم، پزشک و ... همانند مرد در جامعه مطرح می‌شود، منتها با چند استثنای محدود در اسلام مثل قضاوت".

التهت در جمهوری "ولایت فقیه" این "چند

نیافته‌اند، ولی در جمهوری اسلامی گویا زن به عرش اعلی رسیده است. اینگونه استدلال‌ها پیرامون "عروسک"، "کالا" بودن زنان در شرق، و غرب" در همه سخنرانی‌ها خط اصلی را تشکیل می‌داد.

از جمله زهرا مصطفوی، دبیر اجرایی کنگره، گفت: "در نظام سرمایه‌داری علیرغم شعارهای زبها و فریبنده فقط از جنسیت زن بهره گرفته

در چارچوب برگزاری مراسم "دهه فجر"، نشستی هم برای "خواهران حزب‌اللهی" زیر عنوان پرطمطراق "کنگره بین‌المللی زن و انقلاب جهانی اسلام" در نظر گرفته شده بود.

گروهی زن ناشناس خارجی را هم که نمایندگان هیچ سازمان زنانی در کشورهای خودشان نبودند و از جمله یک زن خارجی کارمند سفارت ایران در یک کشور آفریقایی را به عنوان

## "کنگره بین‌المللی زن و انقلاب جهانی اسلام" یا "هیاهوی بسیار برای هیچ"

استثنای محدود" روز بروز دارد گسترش پیدا می‌کند و علاوه بر قضاوت، رشته‌های کشاورزی و مهندسی وهنری و غیره را دربر می‌گیرد. سخنان رئیس جمهور، بخصوص در زمینه امر قضا، بیانگر واقعیت تلخی است. در جمهوری اسلامی، زن "ناقص‌العقل" بشمار می‌آید و به همین دلیل قضاوت او مورد تأیید نیست در صورتی که در کشورهای سوسیالیستی زنان و مردان در هر زمینه‌ای، از جمله قضاوت، از حقوق برابر برخوردارند. مثلا در دادگاه‌های خلقی اتحاد شوروی (۴۲.۵۵) قاضی و دادیار زن مشغول قضاوت هستند که ۵۶٪ کل قاضیان و دادیاران در اتحاد شوروی را تشکیل می‌دهند. بی‌گمان رئیس جمهور این حدود نیم میلیون زن قاضی را صالح نمی‌داند زیرا نه کسی را به سنگسار شدن، قطع دست و پا و شلاق خوردن محکوم می‌سازند، نه با محاکمات چند دقیقه‌ای، حکم اعدام صادر می‌کنند، نه "توبه کردن" و دست کشیدن از آرمان‌های والای انسانی در دفاع از زحمتکشان را شرط بیرون آمدن از زندان قرار می‌دهند و نه "تفتیش عقاید" را "گزینش اخلاقی" می‌نامند.

ضمنا درصد دانشجویان زن در اتحاد شوروی در "چند استثنای محدود" مورد نظر ریاست جمهوری، از این قرار است: در کشاورزی ۲۶ درصد، در اقتصاد و حقوق ۷۱ درصد، در رشته فرهنگ و هنر و سینما ۷۴ درصد و در تربیت بدنی و ورزش ۹۰ درصد.

آیا واقعا "کمونیسم بین‌المللی" (اصطلاحی که زهرا وهنورد مسرر نخست وزیر و گرداننده این کنگره بکار برد) با کشودن راه برای دستیابی زنان به همه قله‌های دانش و فرهنگ و هنر و شناسائی برابری کامل زن و مرد از نظر حقوق، سیاسی و اجتماعی و انسانی قصد کالا کردن و عروسک کردن زنان را دارد یا جمهوری اسلامی که زن را بهترین "متاع" میدانند؟

با نتیجه گیری از همه آنچه که بر زنان ایران گذشته است و می‌گذرد، درک این واقعیت وحشتناک که امروزه زن ایرانی ستمدیده‌ترین و بی‌حقوق‌ترین زن در جهان کنونی است نیازی به استدلال ویژه ندارد.

در سلسله مقالات "کیهان" زیر عنوان "نمودهای انسانی جهاد" (بهمن ماه ۶۶) از جمله می‌خوانیم: "متعرض نشوید و آنان را از این بقیه در ص ۸

شده است. زن در چنین نظامی معنویت و ارزش‌های خود را از دست داده و به عنوان کالا محسوب می‌شود". بانو مصطفوی سپس گامی فراتر نهاد و "به نقش زن در جوامع کمونیستی و کالا بودن وی اشاره کرد و آن را مورد انتقاد قرار داد".

اگر بانو مصطفوی به خود زحمت می‌داد و به روزنامه صبح آزادگان (۲۶ فروردین ۱۳۶۶) مراجعه می‌کرد، می‌توانست این کلمات قضا را از قول بزرگان مورد قبول خودش در آنجا بیابد: "سراپای دنیا متاع است و بهترین متاع آن زن خوب و پارساست"، "بهترین زنان، زنانی هستند که رویشان نکوتر و مهریه‌شان کمتر باشد"، "زن لعبت است، هرکس گرفت باید ببوشاندش" و ... بیگمان بانو مصطفوی می‌داند که متاع همان کالا به زبان خودمان است و لعبت با عروسک تفاوت چندانی ندارد.

اما آیا واقعا به باور او در "جوامع کمونیستی" (التهت منظور کشورهای سوسیالیستی است وگرنه هنوز در هیچ‌جا، حتی در اتحاد شوروی جامعه کمونیستی ساخته نشده است) زن کالا است؟ اگر چنین است پس چرا مثلا در اتحاد شوروی از مجموع کارکنان علمی (دارندگان دکترای علوم، نامزد های دکترای علوم، آکادمیسین‌ها، پروفیسورها، دانشیارها، کارمندان ارشد علمی و غیره) ۵۵۷۰۰ تن زن هستند که ۴۰٪ کل کارکنان علمی را تشکیل می‌دهند. آیا آقای رفسنجانی و خانم مصطفوی می‌توانند بگویند تاکنون در ایران "فقهاتی" چند زن دانشمند از این مقیاس‌ها تربیت کرده‌اند؟

در اتحاد شوروی ۵۵٪ دانشجویان موسسات آموزشی زن و دخترند، یعنی در آنجا چند میلیون دختر و زن دانشجو وجود دارد. آیا جمهوری "ولایت فقیه" این مرز را پشت سر گذاشته است؟

آیا بانو مصطفوی که مدعی "کالا" بودن زن در "جوامع کمونیستی" می‌شود می‌داند که در سال ۱۹۸۵ در اتحاد شوروی ۸۰۲۴۰۰ پزشک زن وجود داشت حدود ۶۹٪ تعداد کل پزشکان در اتحاد شوروی بود؟

آقای رئیس جمهور در مقابل نمایندگان "کنگره" گفت: "ما را به این متهم می‌کنند که از قافله عقب بوده و به زن اهانت می‌کنیم، در صورتی که اهانت آن چیزی است که فرهنگ غرب

فرستادگان زنان مسلمان سراسر جهان، به هزینه مردم ایران آورده بودند تا عنوان تو خالی نشست را توجیه کنند.

طی چندروز، جلسات ملال آوری برگزار شد که در آنها رئیس جمهور، رئیس مجلس، نخست وزیر، مسرر نخست وزیر و یکی دو نماینده مجلس سخنرانی‌های اغراق آمیز تبلیغاتی یکسانی در مذمت "شرق و غرب" و تعریف از خود ایراد کردند.

در همه مطالب گفته شده، علاوه بر دروغ‌های بیشرمانه، این نکته جلب توجه می‌کرد که سخنرانان، نه تنها آنچه را که طی این نه سال، رسانه‌های گروهی جمهوری اسلامی درباره زنان گفته‌اند و نوشته‌اند، نشنیده و نخوانده‌اند، بلکه بسیاری از آنان گفته‌ها و نوشته‌های پیشین خود را نیز می‌زدیانه فراموش کرده‌اند.

مثلا آقای رفسنجانی که در ویژه نامه "جمهوری اسلامی" (۲۱ فروردین ۱۳۶۶) گفته بود: "حضرت زهرا (ع) کلماتی دارند که مضمون آن اینست که زن‌ها بتوانند برنامه را طوری تنظیم کنند که حتی الامکان آمیزش و اختلاط با مردهای نامحرم نداشته باشند. یعنی اگر در خانه کار کنند ترجیح دارد." و یا "اسلام روحا با اختلاط زن و مرد، اگرچه با رعایت عفت هم باشد، موافق نیست"، اینک با نادیده گرفتن آن سخنان "گهر بار" خود، مدعی شد که "در اسلام هیچگونه محدودیت و مانعی برای زنان در راه کسب علوم، فراگیری تخصص‌ها، پرداختن به مشاغل و شرکت در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی وجود ندارد".

و این نظریه جدید خود را نیز مانند دیدگاه گذشته‌اش به "اسلام" چسباند تا هرگونه خرده گیری بر آن مخالفت با اسلام تلقی شود.

رفسنجانی در همین سخنرانی سپس افزود: "اسلام تنها با آلوده کردن صحنه‌های حضور زنان بگونه‌ای که فرهنگ‌های غربی و شرقی تحت لوای شعار آزادی برای زنان تبلیغ می‌کنند مخالف است، چرا که این امر مانع رشد انسانی و یافتن جایگاه شایسته و درخور مقام و منزلت زنان می‌باشد." ظاهرا از این گنده گویی‌های آقای رفسنجانی خود بخود باید این نتیجه به دست آید که در کشورهای غربی و شرقی زنان صرفا در محیطی آلوده زندگی می‌کنند و بر خلاف "تبلیغاتی" که می‌کنند جایگاه شایسته خود را



## فلسطین، سرزمین خون و فریاد

در این میان، سران ج.ا. نیز، که از تأثیر "انقلاب اسلامی" در کشورهای مسلمان نشین بسیار سخن می‌گویند، در زمینه "شباهتهای حرکتیهای مردم فلسطین با انقلاب اسلامی" بسیار تبلیغ می‌کنند. رفسنجانی، رئیس مجلس، ادعا می‌کند که "شعارهای اسلامی پشتوانه حرکت مردم (فلسطین) شده است." و "راه قلمها را انقلاب اسلامی ایران ... باز کرده است." وی موجودیت و حقانیت سازمان آزادیبخش فلسطین را زیر علامت سؤال می‌برد و چنین القا می‌کند که گویا "سازمانهای رسی فلسطینی، آنها که به عنوان مبارزه مسلحانه مدتی است امکانات مردم فلسطین را در خود جمع کرده‌اند، از تحرک افتاده‌اند و سوی سازش از حرکت آنها می‌آید." در این چارچوب، رسانه‌های گروهی ج.ا. همراه با نام سازمان آزادیبخش فلسطین کلمه "باصطلاح" را می‌آورند. جالب است که "رادیو اسرائیل"، به زبان فارسی، نیز داثابه همین شکل از سازمان آزادیبخش فلسطین یاد می‌کند.

بدینسان، بروشنی می‌توان دید که مواضع رژیم جمهوری اسلامی که خود را دوست خلق فلسطین و دشمن صهیونیسم و امپریالیسم می‌داند، در برخورد با قیام توده‌های بی‌خاسته فلسطینی، برهبری سازمان آزادیبخش فلسطین، یگانه نماینده راستین و قانونی این خلق، با مواضع دشمنان خونی خلق فلسطین یعنی صهیونیسم اسرائیل و امپریالیسم آمریکا همخوان است.

\*\*\*

صهیونیستی اسرائیل اعتراض کرده و می‌کنند. بدینسان، آنان حساب خود را از جنایتکاران حاکم بر اسرائیل جدا می‌کنند و وجه تمایزشان را از صهیونیست‌ها نشان می‌دهند.

اسرائیل، امپریالیسم آمریکا و رسانه‌های گروهی در کشورهای سرمایه‌داری می‌کوشند با "بنیادگرایانه اسلامی" جلوه دادن نبرد حق طلبانه خلق فلسطین، موج بدبینی علیه این جنبش عادلانه را، که سالیان دراز است ادامه دارد، برانگیزند. رسانه‌های گروهی امپریالیستی می‌دانند که "انقلاب اسلامی" مطابق الگوی خمینی، یعنی تروریسم، یعنی آزادی کثی، یعنی پایمال شدن حقوق مردم. بهمین دلیل از رشد دروغین "افکار اسلامی" در میان مردم فلسطین سخن می‌گویند و چنین تبلیغ می‌کنند که گویا اسلام جای ناسیونالیسم را بعنوان عامل وحدت بخش در میان فلسطینی‌ها گرفته است. این تبلیغات بی پایه و اساس فقط با هدف لوٹ کردن مبارزه قهرمانانه مردمی انجام می‌شود که از موجودیت خود و سرزمین خود دفاع می‌کنند. میلیونها آواره فلسطینی که امروزه دور از وطن خود در سخت‌ترین شرایط بر می‌روند، می‌خواهند به سرزمین آبا و اجدادی خود باز گردند و از حقوق کامل شهروندی برخوردار شوند. بهمین دلیل، زیر رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین، که تمام نیروهای مترقی و انقلابی فلسطین را در بر می‌گیرد، برای آزادی سرزمین خویش می‌جنگند و به هیچ وجه نمی‌توان این جنبش قهرمانانه را "بنیادگرایی اسلامی" نامید.

نبرد پیگیر خلق فلسطین در سرزمین‌های اشغالی: نوار غزه و کرانه باختری رود اردن، جلوه‌هایی از تلاش قهرمانانه مردم ستم‌دیده‌ای است که برای باز یافتن سرزمین خود سرخسخته مبارزه می‌کنند. نیروهای نظامی اسرائیل، با سبعیت و خشونت‌هایی که خشم بشریت مترقی در سرتاسر جهان را برانگیخته است، با خونین‌ترین شیوه‌ها می‌خواهند خیزش خلق فلسطین، به رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) را سرکوب کنند. در هفته‌های اخیر صدها نفر از مردم بی‌دفاع فلسطینی کشته، زخمی و یا به بند کشیده شده‌اند. نظامیان اسرائیل باخ مشتهای گره کرده را با کلوله می‌دهند.

اسحاق رابین، وزیر دفاع اسرائیل، می‌گوید: "هیچگونه محدودیتی برای مقابله با سازمان دهندگان خیزشهای تروریستی (!!) وجود ندارد و ما به دستگیری و تبعید گسترده تظاهر کنندگان دست می‌زنیم." اما این خشونت‌ها و تصمیم‌های ضد بشری، با مشورت و پشتیبانی مستقیم امپریالیسم آمریکا، نمی‌تواند قیام مردم فلسطین را به شکست منجر سازد. تظاهرات علیه اشغالگران اسرائیلی، در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، روز بروز گسترده‌تر می‌شود. مدارس، مغازه‌ها و بازارهای مناطق اشغالی اغلب بسته است. بویژه جوانان فلسطینی با اجتماع در خیابانها با پلیس اسرائیل مقابله می‌کنند. بسیاری از زحمتکشان یهودی نیز با دفاع از مردم فلسطین نسبت به فجایع رژیم

### "کنگره بین‌المللی زن و ..."

راه تحریک نکنید، هر چند آبروی شما را در معرض خطر قرار دادند و به سران و بزرگان شما دشنام دادند، چون اینان از نظر نیروی بدنی و روانی ناقص هستند. توجه می‌کنید که چگونه زن از دیدگاه "اسلام" ناقص‌الخلقه معرفی می‌شود؟

آیت الله دستغیب که از مخلصان بی‌غل و غش "ولایت فقیه" بود ولی نینداندت که هر حرف راستی را نباید گفت بشارت زیر را به زنان می‌داد: "شما اگر نماز را ترک نکنید و روزه‌تان را بپذیرید و حج هم بروید، زکات را بدهید و اطاعت شوهر بکنید" به بهشت خواهید رفت.

چنین است توصیه واقعی رژیم "ولایت فقیه" به زنان: در خانه نشستن و اطاعت شوهر کردن و در پایان شهید شدن در راه پیمائی "برائت از مشرکین" در "حریم خانه خدا". بقیه شیرین زبانیها در "کنگره بین‌المللی" زن تعارفات بازاری بود و پس.

\*

آدرس پستی:  
**NAMEH**  
**MARDOM**  
 NO: 197

P.B.49034  
 10028 Stockholm 49  
 Sweden

8 March 1988

### به برنامه‌های رادیوی زحمتکشان ایران گوش فرادهید!

هم میهنان عزیزا کارگران و زحمتکشان! رادیو زحمتکشان ایران بانک رسا و زبان بی‌بند و آزاد توده‌های رنجبر میهن ماست. به برنامه‌های رادیوی زحمتکشان ایران گوش فرادهید و شنیدن آن را به دوستان و آشنایان خود توصیه کنید. رادیوی زحمتکشان ایران هر شب در ساعت ۱۹ پمدت یکساعت روی امواج کوتاه، ردیف ۲۸ متر (۱۰۸۷۰ کیلو هرتز)، ۴۹ متر (۶۳۲۰ کیلو هرتز)، و ۶۰ متر (۴۷۷۵ کیلو هرتز) برنامه پخش می‌کند. این برنامه در ساعت ۲۰ همانروز و ۶ صبح روز بعد تکرار می‌شود. برای رادیوی زحمتکشان ایران به آدرس زیر نامه بنویسید:

P.B.49034  
 10028 Stockholm 49  
 Sweden

### تظاهرات

#### علیه ارسال اسلحه به ایران

پنا به گزارش برنامه دوم تلویزیون آلمان فدرال، کارخانه "گروسه‌پنه" در جریان یک معامله اسلحه، به ارزش ۱۵۰ میلیون دلار مواد انفجاری به ایران ارسال کرده است. این در حالی است که بر اساس قوانین آلمان فدرال، ارسال اسلحه به مناطق متشنج، از جمله خلیج فارس، ممنوع است. در همین رابطه، در اواسط ژانویه امسال، گروهی از مردم آلمان غربی در مقابل دفتر "گروسه‌پنه" در شهر فورستن فلد پروک به تظاهرات پرداختند.

### تصحیح و بوزش

در شماره ۱۹۶ "نامه مردم" در مقاله "آیا یک میلیون و دویست هزار قربانی کافی نیست؟" (صفحه ۷)، اشاره به یک خبر منتشر شده در روزنامه "گلف دیلی نیوز" (چاپ بحرین) شده است. در مورد تاریخ انتشار این خبر، ۴ فوریه ۸۸ صحیح است.

## جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است